

رستاخیز از نگاه یهودیت و مسیحیت

محمدحسین فصیحی*

چکیده

ایمان به رستاخیز و حیات اخروی از اصول جهان‌بینی الهی در ادیان آسمانی و مهم‌ترین اصل بعد از اصل توحید است که پیامبران الهی، آحاد مردم را به آن دعوت کرده‌اند. در این نوشتار سعی می‌شود مسئله‌ی رستاخیز را از منظر دو دین مهم ابراهیمی، یعنی یهودیت و مسیحیت بررسی کنیم. رستاخیزشناسی در کتاب مقدس یهودیان بسیار ضعیف است و فقط در کتاب تلمود اشاراتی به آن شده است که اعتقاد به رستاخیز از اصول دین و ایمان یهودی معرفی می‌شود و انکار آن گناهی بزرگ و نابخشودنی انگاشته می‌شود. در مقابل، با مطالعه‌ی اجمالی از اناجیل چهارگانه به این نکته می‌رسیم که نه‌تنها حضرت عیسی علیه‌السلام وجود رستاخیز را به طور شفاهی تبلیغ کرده است، بلکه در عمل با معجزه‌ی زنده کردن مردگان، نمونه‌هایی از رستاخیز انسان را به آحاد مردم خود نشان داده است و نیز مسیحیان معتقدند آن حضرت دوباره به زمین برخواهد گشت و رستاخیز را در زمین بر پا خواهد نمود. آنان این رستاخیز را واقعی و جسمانی می‌دانند.

کلید واژه: رستاخیز، تنخ، عهد جدید، عیسی علیه‌السلام.

* کارشناس ارشد فلسفه، جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمية، مجتمع آموزش عالی امام خمینی ره، قم.

براساس آموزه‌های اسلامی، همه انبیاء به بهشت و سعادت بشارت داده‌اند و پیروان خویش را از عذاب‌های الهی ترسانیده‌اند و آنان را از سرکشی و عصیان و شومی عاقبت این اعمال انذار داده‌اند. فلسفه‌ی نبوت انذار و تبشیر و اتمام حجت خداوند بر مردم بوده است تا در روز قیامت عذری در برابر محبت‌های الهی باقی‌نمانده باشد. بنابر چنین آموزه‌هایی موسی بن عمران، پیامبر بزرگ خداوند نیز می‌بایستی پیروان خود را نسبت به آینده‌ی ایشان انذار داده باشد و بحث معاد میان یهودیان، مانند دیگر ادیان از همان ابتدای نبوت وی مطرح شده باشد. اما بیشتر دانشمندان دانش ادیان تصریح می‌کنند یهودیان اعتقاد روشنی به آخرت و روز جزا ندارند و جزای اعمالشان را بیشتر در این جهان می‌دانند و اعتقاد به رستاخیز که در دین آنان ذکر شده، قدمتی به اندازه قدمت دیگر اعتقاداتشان ندارد. متخصصان علوم ادیان بر آنند که اعتقاد به بهشت و جهنم و روز جزا در تورات مطرح نشده است. حال باید دید که رستاخیز در دید یهودیان چگونه است؟

رستاخیز در یهودیت

«عهد عتیق» نامی است که مسیحیان در مقابل عهد جدید خود به کتاب یهودیان داده‌اند. عهد عتیق به زبان عبری و اندکی از آن به زبان کلدانی نوشته شده است. این دو زبان مانند عربی از زبان‌های سامی هستند. کتاب تورات در آغاز عهد عتیق قرار دارد. عهد عتیق ۳۹ کتاب دارد که از نظر موضوع به سه بخش تقسیم می‌شوند:

الف. تورات و بخش تاریخی عهد عتیق؛

ب. حکمت، مناجات و شعر؛

ج. پیشگویی‌های انبیاء.^۱

در عهد عتیق به ندرت از حیات اخروی با صراحت یاد شده است و اکثر وعده‌هایی که در آن بر انجام واجبات الهی داده شده، مربوط به بازگشت ایشان به زمین مقدس و بهره‌مند شدن از نعمت‌ها و برکات بی‌پایان آن می‌باشد. شاید دست تحریف، نصوص مربوط به زندگی اخروی را از صفحه‌ی این کتاب محو کرده باشد. این امر موجب گشته که آئین یهود رنگ مادی به خود بگیرد و توجه به امور معنوی در آن اندک باشد. اما با این همه، جملاتی در آن باقی مانده است که برانگیخته شدن انسان پس از دنیا را با صراحت بیان می‌کند.^۲ با توجه به این مسئله، یهودیان سنتی به شدت به حیات پس

^۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۸۴.

^۲. سبحانی، جعفر، معاد شناسی، ص ۵۰.

از موت معتقدند و در آئین یهود، موت پایان حیات بشر نمی‌باشد.^۳ به هر حال، این مطلب باعث شده است که دیدگاه‌های مختلفی در باب زندگی پس از مرگ در بین آحاد مردم یهودی به وجود آید. از این رو، یک یهودی ارتدوکس می‌تواند هم‌چون مسیحیان و مسلمانان معتقد باشد که انسان‌های نیکوکار به بهشت می‌روند یا هم‌چو هندوها معتقد به تناسخ شود یا هم‌چون برخی مسلمانان (وهابیان) بر این عقیده باشد که در فاصله مرگ تا برانگیختگی (البته برانگیختگی مسیح که یهودیان معتقدند هنوز صورت نبسته است) چیزی برای مرده رخ نمی‌دهد. از سوی دیگر یک یهودی ارتدوکس می‌تواند معتقد شود که روح بدکاران، گرفتار غذایی خواهد شد که اعمال زشت خود او پدید آورده است یا معتقد شود که بدکاران به دلیل کردار ناشایست، جاودانگی را از دست داده، نابود می‌شوند.^۴

«در کتب پیامبران، اعتقاد به برانگیختگی مردگان در دوران مسیح دیده می‌شود. این مسئله امری است که دو گروه فریسیان و صدوقیان را از یکدیگر متمایز می‌کند. فریسیان به‌چنین حادثه‌ای باور داشته‌اند؛ حال آن‌که صدوقیان به دلیل عدم وجود این مسئله در تورات مخالف آن بودند. (البته ملاک اظهار نظر آنان تورات موجود بوده است. شکی نیست که این تورات در عصرهای بعد از حضرت موسی نگاشته شده است.) برانگیختگی مردگان که عصر مسیح نامیده می‌شود، گفته می‌شود در آیت‌ای از کتاب‌های زکریا (۱۴) و ملاکی (۳ و ۴) دیده می‌شود.»^۵

مستر هاکس، نویسنده «قاموس کتاب مقدس» تصریح می‌کند که افکار قوم یهود در پاره‌ای از مسائل مربوط به عالم پس از مرگ، نامعلوم و غیر واضح است.^۶ هم‌چنین وان درپلوگ می‌نویسد: تصور دنیای پس از مرگ در آثار قدیم دین یهود وجود نداشت و ابتدا در مزامیر و به خصوص در کتاب «حکمت» (حدود صد سال قبل از میلاد) به‌طور برجسته خودنمایی می‌کند و اعتقاد به روح و جاودانی بودن آن نیز در دین اسرائیلیان وجود نداشته است. روح در نظر یهودیان نخستین، متشکل از روآح (پنوما) که به معنی باد است و نفس (نفس) که دم انسان است و در آغاز فقط از روح خدا سخن گفته می‌شود که بر انسان مسلط می‌گردد و او را رهبری می‌کند.^۷

سنت یهودی ره‌یافته‌هایی را درباره‌ی مرگ و زندگی بعد از موت گسترش داد و در نتیجه رستاخیز اموات جنبه‌ی محوری پیدا کرد. این عملکرد آن‌چنان دارای اهمیتی شد که کسی را که منکر رستاخیز اموات بود، از جهان بعدی محروم می‌دانستند.

^۳. بایر ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ص ۵۴۸.

^۴. اکبری، رضا، جاودانگی، ص ۴۰.

^۵. همو، ص ۴۲.

^۶. مکارم شیرازی، ناصر، معاد و جهان پس از مرگ، ص ۱۰۲.

^۷. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین یهود، ص ۲۵۴.

آموزه‌ی رستاخیز مقتضی آن است که شخص در همان بدن قبلی‌اش به زندگی باز گردد.^۸ از این رو، رستاخیز یهود برای بدن مادی، ارزش قائل می‌شود. در رستاخیز، جسم شخص، زنده می‌گردد تا موطنی دائم برای انسان در جهان جدید باشد. هر چند معتقدات و رسوم دینی یهود، بر این عالم جدید تکیه دارد، اما رستاخیز اموات را مقدمه‌ای برای ورود به جهان آینده می‌دانستند که هنگام بسته شدن پرونده‌ی این جهان برقرار خواهد شد.^۹

از بررسی کتاب «تنخ»،^{۱۰} خصوصاً بخش اسفار خمسه تورات، چنین برمی‌آید که این کتاب فاقد هر گونه اندیشه‌ی صریح و روشن نسبت به عالم آخرت، به‌ویژه مسئله‌ی رستاخیز است. با وجود این، در بخش‌های دیگر کتاب مذکور عبارات و تعابیری به کار رفته که به نحو ضمنی بر جهان بازگشت و عالم پس از مرگ دلالت دارند، لیکن همان مطالب مطرح شده غالباً متفرق، محدود و مبهم بوده و تحت عناوین «داوری»، «نجات»، «ابدالآباد»، «پیوستن اسماعیل بعد از مرگ به نیاکان و اجداد خود» و... آمده است.^{۱۱} اینک شایسته است برخی از مواردی که به رستاخیز اشاره شده است را در این جا بیاوریم:

۱. «انسان به خانه دائمی خود می‌رود و نوحه‌کنندگان در کوچه گردش می‌کنند. ... و روح نزد خدا که آن را بخشیده بود رجوع نماید.» (کتاب امثال سلیمان نبی، فصل ۱۲؛ آیات ۷-۵)
 ۲. «میراننده و زنده کننده و زیرآورنده به قبر و بیرون آورنده، خداوند است.» (کتاب اول سموئیل؛ آیه ۶)
 ۳. «مردگان تو زنده خواهند شد و جسد‌های ما خواهند برخاست، ای شما که ساکنان در خاک‌اید، بیدار شده، ترنم نمایید.» (کتاب اشعیا، آیه ۱۹)
 ۴. «از خوابندگان در خاک زمین بسیار بیدار خواهند شد بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری ابدی.» (کتاب دانیال، آیات ۳-۲)
- صریح‌ترین عبارتی که در تنخ درباره‌ی رستاخیز آورده شده است، همان جمله‌ی دوم است که به آن اشاره شد؛ چنانچه آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در این باره می‌نویسد: «این جمله علاوه بر اصل مسئله‌ی رستاخیز، در معاد جسمانی صراحت دارد.»^{۱۲}
- بنابراین، از آن‌چه گفته شد چنین برمی‌آید که نظریه‌ی رستاخیز در دوران بعد از کتاب مقدس مطرح شده است، اما در «تلمود» که تفسیر و تأویل تورات است، اعتقاد به رستاخیز از اصول دین و

^۸. طباطبایی، محمد حسین، بررسی‌های اسلامی، ص ۲۰۱.

^۹. چاید ستر، دیوید، شور جاودانگی، ص ۲۹۷.

^{۱۰}. عنوان کتاب یهودیان و معادل عهد عتیق از کتاب مقدس مسیحیان است. (توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۸۳).

^{۱۱}. قربانی، زین‌العابدین، به‌سوی جهان ابدی، ص ۵۱.

^{۱۲}. مکارم شیرازی، ناصر، معاد و جهان پس از مرگ، ص ۱۰۳.

ایمان یهودی معرفی می‌شود و انکار آن گناهی بزرگ و نابخشودنی انگاشته می‌شود. اهمیتی که این اعتقاد دینی به خود گرفت، مباحث و مجادلات بسیار را پدید آورد و یکی از نکات مورد اختلاف میان فریسیان^{۱۳} و صدوقیان^{۱۴}، همین ایمان به رستخیز بود. صدوقیان چنین تعلیم می‌دادند که با مردن جسم، روح نیز معدوم می‌شود و مرگ، پایان موجودیت انسان است.^{۱۵} انکار وجود جهان آینده، با انکار اصل پاداش و مجازات که فریسیان برای آن اهمیت بسیاری قائل بودند، توأم بود^{۱۶} و از این رو فریسیان با این بی‌ایمانی به شدت مبارزه می‌کردند. با این حال، صدوقیان عقیده به رستخیز مردگان را مردود می‌دانستند؛^{۱۷} زیرا معتقد بودند که از این موضوع در اسفار خمسہ تورات سخنی به میان نیامده است. از این یک مورد که بگذریم، بقیه‌ی یهودیان، اصل اعتقادی رستخیز را باور دارند. با وجود این، در جزئیات مسئله‌ی رستخیز دیدگاه‌های متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. گروهی از یهود، رستخیز را از آن همه‌ی آحاد مردم و گروهی دیگر زندگی آینده و پاداش را از آن عادلان و نیکوکاران می‌دانند و معتقدند که شریبان و بدکاران با مرگ جسمانی برای همیشه نابود خواهند شد. افزون بر این، معتقدند که واقعه‌ی عظیم و شگرف رستخیز مردگان در ارض مقدس فلسطین رخ خواهد داد و مردگانی که خارج از ارض مقدس باشند و در عین حال مستحق پاداش باشند، اجسادشان باید قبل از رستخیز به ارض مقدس انتقال یابند.^{۱۸}

جان کلام آن‌که، اطلاعات صحیح و روشن در باب آخرت شناسی یهودیت در کتاب مقدس یهودیان یافت نمی‌شود. اما وقتی که کتاب تلمود را بررسی می‌کنیم صرف‌نظر از اختلاف‌نظرهایی که در جزئیات امر در بین گروه‌های مختلف یهودی وجود دارند، می‌توانیم به تصویری نسبتاً روشن از روز داوری، رستخیز مردگان، محاسبه اعمال نیک و بد انسان‌ها توسط خداوند متعال و بهشتی یا جهنمی شدن انسان‌ها براساس اعمال نیک و بدشان در این دنیا دست یابیم. البته شایان ذکر است که یهودیت امروز، اهتمامی به رستخیز و قیامت و پاداش و کیفر آن‌روز ندارد و همین امر موجب ارتکاب گناهان و جداسدن آن‌ها از تمامی ارزش‌های اخلاقی گشته است.^{۱۹} به‌هرحال، اینک شایسته است در ذیل به چند ادله‌ی یهودیان بر رستخیز اشاره شود:

^{۱۳}. کلمه فریسی در عبری به معنای «عزلت طلب» است. این فرقه دو قرن قبل از میلاد پدید آمد و تا اکنون هم اکثریت یهود از آن هستند. (توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۹۵).

^{۱۴}. نام این فرقه به صادق بن اخیوط که از طرف حضرت داود علیه السلام به کهنانت منصوب شده بود، مربوط می‌شود. (همو، ص ۹۶).

^{۱۵}. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۹۶.

^{۱۶}. یایر ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ص ۵۴۹.

^{۱۷}. چاید ستر، دیوی، شور جاودانگی، ص ۳۰۷.

^{۱۸}. کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۳۶۷.

^{۱۹}. سبحانی، جعفر، معادشناسی، ص ۵۲.

أ. دلیل امکان رستاخیز

همان‌طور که گذشت، روشن شد که سخن از قیامت و رستاخیز در کتاب مقدس یهودیان اندک است، اما مواردی را در پیشگویی‌های انبیاء متأخر در عهد عتیق می‌توان یافت که می‌شود امکان رستاخیز را اثبات نمود. از باب نمونه می‌توان به این مورد اشاره کرد:

« مردگان تو زنده خواهند شد و جسد‌های ما خواهند برخاست، ای شما که ساکنان در خاک‌اید، بیدار شده، ترمّ نمایند؛ چون که شب‌نم تو مثل شب‌نم گیاهان است و زمین، متوفّی‌ها را بیرون خواهد انداخت.» (کتاب اشعیا، آیه ۱۹)

این عبارت به زنده شدن بعد از مرگ پرداخته و یهود را به علف خشکیده تشبیه نموده که باران رحمت الهی بر آن می‌بارد و دوباره سبز و خرم و از خواب عمیق بیدار می‌شود.

ب. امکان وقوعی

می‌توان با مطالعه‌ی عهد قدیم، بعضی وقایع را در آن یافت که از آن برای اثبات برانگیختن و زنده کردن اموات جهت برهان عملی استفاده نمود، از باب نمونه می‌توان گفت:

«پسر زنی بیمار شد و مرض او به‌حدی شدید بود که در جسد او نفسی باقی نماند و به ایلیاه گفت که ای مرد خدا! مرا به‌تو چه کار است؟ آیا به‌قصد به‌یاد آوردن گناه من و کشتن پسر من نزد من آمده‌ای؟ و او «ایلیاه» به زن گفت که پسرت را به من بده. پس او را از آغوشش گرفت و او را به حجره بالایی که در آنجا می‌نشست آورد و او را بالای بسترش خوابانید و به خداوند تضرع نموده، گفت که ای خداوند خدای من! ایا می‌شود که به بیوه‌ای که من با او می‌نشینم، بلا رسانیده، پسرش را بکشی و خویشتن را بالای پسر سه مرتبه دراز کرد و به خداوند استدعا نموده، گفت که ای خداوند خدای ما! تمنا اینکه جان این پسر را به جسدش برگردانی و خداوند استدعای ایلیاه را اجابت فرمود و جان پسر را به جسدش برگردانده، زنده شد و ایلیاه پسر را گرفت و او را از حجره بالایی به خانه آورد و او را به مادرش تسلیم کرد و ایلیاه گفت: ببین که پسرت زنده است. پس زن به ایلیاه گفت: حال از این دانستم که تو مرد خدایی و این که کلام خداوند در دهن تو حق است.» (سفر پادشاه اول، فصل ۱۷)

۲. رستاخیز در مسیحیت

در «عهد جدید»^{۲۰} برخلاف عهد قدیم، موارد فراوانی به وضوح از رستاخیز یاد شده است. با مطالعه‌ی اجمالی از اناجیل چهارگانه به این نکته می‌رسیم که نه تنها حضرت عیسی علیه السلام وجود رستاخیز را به طور شفاهی تبلیغ کرده است، بلکه در عمل با معجزه‌ی زنده کردن مردگان، نمونه‌هایی از رستاخیز انسان را به آحاد مردم خود نشان داده است.^{۲۱}

از باب نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

در انجیل متی با صراحت به مسئله‌ی جزا و پاداش روز رستاخیز اشاره نموده است؛ «زان رو که فرزند انسان در جلال پدر خود با ملائکه خویش خواهد آمد و آن گاه هرکس را بر وفق عمل او جزا خواهد داد.» (متی، باب ۱۶، آیه ۲۷)

در انجیل لوقا نیز عبارتی هست که گزینه‌ای دیگر در مورد وضعیت شخص در فاصله‌ی زمانی میان مرگ و رستاخیز را پیش می‌نهد. وضعیت دو مرد که یکی «دیواز» و دیگری «ایلعازر» نام دارد، پس از مرگ، مخالف ثروت و شأن اجتماعی آنان در زمان حیات است. دیواز ثروتمند در دنیای مردگان عذاب می‌کشد، درحالی‌که ایلعازر فقیر را فرشتگان پس از مرگ، نزد ابراهیم می‌برند. (لوقا، باب ۲۶، آیه ۱۹).

در انجیل یوحنا چنین آمده است: «از این تعجب مکینید؛ زیرا که آن ساعت می‌آید که همه‌ی آنان که در قبرها اند، آوازش را بشنوند و بیرون خواهند آمد؛ آنان که نیکویی کرده باشند از برای قیامت، حیات و آن کسانی که بد کرده باشند برای قیامت، جزا.» (یوحنا؛ باب ۵، آیات ۲۸-۲۹).

با توجه به این عبارات می‌توان گفت: اعتقاد به رستاخیز مردگان از ابتدا از عناصر اساسی ایمان مسیحی بوده است؛ چنانکه «ترتولیان» در این باره می‌نویسد: «اعتقاد مسیحیان به رستاخیز مردگان است و ما با این اعتقاد زنده‌ایم.»^{۲۲} و در جایی دیگر آمده: «مهم‌ترین مشخصه‌ی مسیح کلیسا، رستاخیز او، صعود به آسمان و جای گرفتن در طرف راست پدرش، خداوند است.»^{۲۳}

بنابراین، مسیحیان باور دارند که عیسی مسیح در روز داوری عظیم در مقام داوری الهی عمل می‌کند، اما این که بازگشت و حکومت جهانی او در این دنیای فانی است یا دنیای دیگر، نظریات مختلفی مطرح شده است که برخی موافق و برخی نیز مخالف‌اند. در مجموع به نظر می‌رسد که باور

^{۲۰}. عهد جدید به زبان یونانی نگارش یافته است و دارای ۲۷ کتاب است که از نظر موضوع به ۴ بخش تقسیم می‌شوند: ۱. اناجیل؛ این بخش نیز مشتمل بر ۴ بخش است؛ (متی، مرقس، لوقا و یوحنا)؛ ۲. اعمال رسولان؛ ۳. نامه‌های رسولان؛ ۴. مکاشفه. (توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۲۹).

^{۲۱}. چاید ستر، دیوید، شور جاودانگی، ص ۳۲۲.

^{۲۲}. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت، ص ۳۳۲.

^{۲۳}. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین مسیح، ص ۳۳۲.

به اخروی بودن بازگشت عیسی مسیح، طرفدار بیشتری را دارا باشد؛ چنانکه در سنت اسلامی، بازگشت عیسی مسیح که قرآن کریم در آیات ۱۵۷-۱۵۶ نساء، بر زنده بودن او تصریح کرده است، انتظار می‌رود؛ اما در این باره می‌بایستی به دو نکته توجه داشت: یکی این که بازگشت مسیح پس از بازگشت دیگری (حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف») است که بنابر احادیث اسلامی خواهد آمد. نکته دوم این است که طبق سنت اسلامی، بازگشت این دو شخصیت در این دنیا است، نه دنیای دیگر.^{۲۴}

به هر حال، اینک شایسته است در ذیل به برخی از استدلال مسیحیان که درباره رستاخیز مطرح شده است، اشاره نماییم:

۱. دلیل امکان رستاخیز

«پولس» با تمام نقش تأثیر گذارش در مسیحیت، کسی است که حتی مسیح ﷺ را در حیات زمینی‌اش رؤیت نکرده و از نفس مسیحایی و موهبت درک شاگردی مستقیم او محروم بوده است. او پس از یک واقعه‌ی مکاشفه‌ی رؤیایی به عیسی مسیح ﷺ ایمان می‌آورد.^{۲۵} به هرحال، پولس با آوردن یک قیاس می‌خواهد دلیلی بر امکان رستاخیز ارائه دهد: «چنان که دانه و بذر خشک زیر خاک دفن می‌شود و می‌میرد و فاسد می‌گردد، ولی از بین نمی‌رود و می‌روید و بلکه از حالت اول خود بهتر هم می‌شود، بدن انسان نیز که در خاک دفن می‌کنند، نابود نمی‌شود و حیات تازه و بلکه بهتر از اول پیدا می‌کند.»^{۲۶} هم‌چنین پولس در عبارتی دیگر با بیان یک برهان دیگر می‌خواهد رستاخیز را ممکن جلوه دهد. مبدأ برهان پولس، این مدعاست که کسانی حقیقتاً به زندگی بازگشته‌اند. در مسیحیت، این اعتقاد که عیسی از میان مردگان رستاخیز یافت، با این مدعای کلامی همراه شده است که رستاخیز عیسی، رستاخیز ما را نوید می‌دهد و ممکن می‌گرداند؛ بنابراین، پولس چنین استدلال می‌کند: «اگر مسیح از میان مردگان برخاست، ما نیز از میان مردگان برخاستیم خاست. مسیح برخاست، پس ما نیز برخاستیم خاست.»^{۲۷}

اعتبار این برهان درگرو صدق هر دو مقدمه‌ی آن است. اولین مقدمه، کلامی است. لذا تصدیق صدق آن منوط به پذیرش مدعیاتی دیگر است، از جمله اینکه خدا وجود دارد، خدا می‌تواند وعده‌ها و اغراض خویش را آشکار سازد، او به وعده‌های خویش پایبند است و توانایی کافی برای تحقق اغراض خویش را دارد، و او این امر را واقعاً بر پولس آشکار ساخته است. صدق مقدمه دوم، بستگی به این

^{۲۴}. سلیمان‌ی اردستانی، عبدالرحیم، درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت، ص ۲۰۵.

^{۲۵}. جهت اطلاع بیشتر، ر، به: عقل و ایمان از منظر شهید مطهری و پولس، محمد حسین فصیحی، مجله طلوع نور، ۳۳، ص

۹۵.

^{۲۶}. عبدالباری، فرج الله، یوم‌الآخر بین‌اليهودیه و المسيحيه و الاسلام، ص ۴۳۱.

^{۲۷}. همو.

دارد که آیا رستاخیز عیسی یک واقعیت تاریخی است یا نه. مسیحیان معمولاً شواهدی برای زنده شدن عیسی ارائه می‌کنند. به نظر آن‌ها مقبره‌ی خالی او و پدید آمدن و توفیق یافتن کلیسای مسیح نشان می‌دهد که این امر واقعاً رخ داده است.^{۲۸}

۲. امکان وقوعی

مسیحیان برای اثبات امکان وقوع بعث به زنده شدن مردگان به دست عیسی مسیح علیه السلام و برخی شاگردانش استدلال می‌کنند و نیز زنده شدن خود آن حضرت را به عنوان بیّنه ذکر می‌نمایند. به-عنوان نمونه به این موارد توجه کنیم:

«ناگاه رئیسی آمد حضرت عیسی علیه السلام را سجده نموده، گفت که در این وقت دختر من مرده است؛ لکن اگر تو آیی و دست خود را بر وی نهی، زنده خواهد گردید. پس عیسی برخاسته، با شاگردان خود به عقب وی روان شد. ناگاه زنی که از دوازده سال به مرض جریان خون مبتلا می‌بود از پشت سر وی آمده، دامن قبایش را لمس نمود، زان‌رو که با خود اندیشیده بود که اگر همین قبایش را لمس نمایم شفا خواهم یافت. پس عیسی متوجه گردیده و او را ملاحظه فرموده گفت: ای دختر! خاطر جمع باش که اعتقاد تو مرض تو را نجات بخشید و از همان ساعت آن زن رستگار گردید و چون عیسی به خانه‌ی رئیس در آمده، نوحه و مردم را وحشت‌کنان مشاهده نمود، ایشان را گفت: راه دهید که دختر نمرده است بلکه خوابیده است و ایشان وی را تمسخر نمودند و چون آن جمعیت بیرون کرده شد داخل گشته دست دختر را گرفته و او برخاست و آواز آن در تمام مرز و بوم پیچید.» (انجیل متی، باب ۹، آیات ۲۷-۱۸).

در جای دیگر چنین آمده است:

«و چون حضرت عیسی علیه السلام به دروازه‌ی شهر نزدیک شد، اینک مرده را بیرون می‌آوردند که مادرش را همان یک فرزند بود و او زن بیوه بود و گروهی از اهل شهر با آن زن بودند و خداوند او را دیده بر وی ترحم فرمود و او را گفت: گریه مکن و نزدیک آمده، تابوت مس کرده، تا حاملانش ایستادند. فرمود: ای جوان! تو را گویم برخیز. پس آن مرده بلند شد و نشسته، آغاز سخن گفتن نمود. پس او را به مادرش تسلیم کرد. پس خوف همه را فرو گرفته خدا را سپاس می‌نمودند و می‌گفتند: پیغمبری کلان در میان ما مبعوث شده است و این که نظر کرده است خدا بر قوم خود.» (انجیل لوقا، باب ۷، آیات ۱۸-۱۳).

^{۲۸}. مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ص ۳۴۸.

۳. طریق وجدانی

در کتاب عهد جدید نمونه‌هایی یافت می‌شود که سرنوشت خوبان و بدان را پس از حساب و کتاب قیامت به تصویر کشانده است تا بدین وسیله وجدان خفته‌ی آحاد مردم را بیدار نموده و یا لاف‌گویی کمی به خود آیند.

«ملکوت آسمان مردی را شباهت دارد که بذر نیکویی در زمین خویش زراعت نموده و چون مردم به خواب رفتند خصم وی آمده و در میان آن گندم، گندم خراب کاشت و روان گردید و چون خوشه برآورد و آن گندم خراب نیز ظاهر گردید. پس ملازمان رئیس نزد وی آمده، گفتند: مولانا! آیا که تخم نیکو در مزرعه خویش نکاشتی این کاکلک را از کجا بهم رسانیدی؟ به ایشان گفت که خصمی این عمل را نموده است. ملازمان وی را گفتند که پس آیا می‌خواهی که رفته، آن را برچینیم؟ گفت: نه، مبادا که چون خواهی که گندم خراب را جمع نماید گندم را نیز با وی برکنید؛ بلکه هر دو را بگذارید که تا وقت حصاد نمو نماید و هنگام حصاد درو کنندگان را خواهم گفت که اول کاکلک را جمع نمایید و به جهت سوخت دست‌ها بندید و گندم را در انبار من جمع نمائید و باز مثلی دیگر به جهت ایشان آورده، گفت که ملکوت آسمان دانه خردلی را ماند که شخص آن را گرفته در مزرعه خویش زرع نمود و آن در حقیقت از جمیع تخم‌ها کوچک‌تر است و چون نمو نماید بزرگ‌ترین بقولات است به نوعی که درخت می‌شود، چنان‌چه مرغان هوا آمده، در شاخه‌هایش سایه‌گزین می‌گیرند و باز مثلی دیگر به جهت آن‌ها زده، فرمود که ملکوت آسمان خمیر مایه را مشابهت دارد که ضعیفه آن را گرفته در سه پیمانه آرد گذارد که بالاخره مجموع آن مخمر گردد. خلاصه آن که عیسی علیه السلام همگی این مفهومات را در امثال به آن جماعت توضیح نمود و بدون مثال، هیچ به آن‌ها نمی‌گفت، تا کامل گردد آنچه به وساطت پیغمبر گفته شده بود که می‌گفت: لب خود را در مثال‌ها خواهم گشاد و به اسراری که از ابنای عالم مخفی بودند، تکلم خواهم نمود. آنگاه عیسی علیه السلام جماعت را برگردانیده، به خانه رفت و شاگردان وی نزد وی آمده، گفتند که مثل کاکلک کشت را به جهت ما شرح نما. مسیح فرمودند: آن که بذر نیکو کارد، فرزند انسان است و مزرعه دنیا است و تخم‌های نیک ابنای ملکوت و کاکلک‌ها فرزندان شیران‌اند و دشمنی که آن‌ها را کاشته بود شیطان و موسم حصاد انجام جهان و دروکنندگان ملائکه‌اند.»

مسیحیان این عبارت انجیل مذکور را چنین تفسیر نموده‌اند که این عبارت، اشاره به عالم آخرت است و نعمت‌های آن که برای خوبان است و آتش جحیم که برای اشرار است و حصاد را چنین

تفسیر نموده‌اند که خداوند، عالم را از اول خلقت تا روز قیامت و از خیر و شر گرد می‌آورد و همه را تا انتهای عالم از هم جدا می‌کند و این هنگام همان وقت معین است برای جدا کردن خوبان از بدان.^{۳۹}

برهان غایت

این برهان را «توماس آکویناس»^{۳۰} مطرح کرده است. به نظر او ما برای نیل به غایتی نهایی (یعنی سعادت) آفریده شده‌ایم، اما سعادت در حیات این جهانی دست نمی‌دهد؛ چرا که ثروت شخصی ما ناپایدار، جسم و اراده‌ی ما ضعیف و دانش ما ناقص است؛ اما خداوند ما را به عبث نیافریده است، لذا ما باید بتوانیم به آن غایتی که برای آن خلق شده‌ایم، برسیم و اقتضای این امر آن است که حیات ما بعد از مرگ نیز ادامه پیدا کند.

اما چرا باید کسی فکر کند که ما نمی‌توانیم در حیات این جهان، سعادت مند شویم؟ به نظر ارسطو سعادت، احساس زودگذر لذت نیست، بلکه این است که فرد بتواند در طول زندگی خویش، قابلیت‌هایش را به فعلیت برساند. اگر ما مشغول به فعالیت عقل بشویم، به سعادت نائل خواهیم شد. ناملایمات گذرا موجب نمی‌شوند که سعادت را از دست بدهیم. البته آکویناس سعادت را به نحو متفاوتی درک می‌کند. به نظر وی سعادت انسانی با غایتی که ما برای آن آفریده شده‌ایم (یعنی وصال خدا) مرتبط است؛ معرفتی که ما از طریق ایمان، درباره خداوند به دست می‌آوریم، فعل اراده است، نه عقل. و لذا معرفت کنونی ما درباره خداوند که از طریق عقل طبیعی به دست می‌آید، ممکن است خطا آمیز و غیر یقینی باشد. بنابراین، معرفت یا تفکر درباره خداوند - که سعادت نهایی ما در گرو آن است - در حیات این جهانی - جز به نحو گذرا - قابل دسترسی نیست. پس برای اینکه چنین بصیرت سعادت آفرینی را کاملاً تجربه کنیم، باید پس از مرگ نیز به حیات خود ادامه دهیم.^{۳۱}

جمع بندی و نتیجه گیری

در هیچ جای تورات سخنی از رستاخیز به معنی بازگشت به عالم آخرت نیامده است. البته در مواردی کلمه ی آخرت آمده است، ولی مراد از آن عاقبت دنیوی است نه آخرت اصطلاحی، اما در کتاب تلمود که سنت شفاهی یهود است از رستاخیز به فراوانی سخن گفته شده است. برخی از فریق یهود، مثل فرقه صدوقیان که منقرض شده‌اند، رستاخیز را قبول نداشتند، ولی فرقه فریسیان که اکنون وجود دارد، رستاخیز را باور دارد. البته برخی از علمای این فرقه، رستاخیز را به معنی بازگشت دوباره به دنیا می‌انگارند، ولی برخی دیگر رستاخیز را بازگشت به عالمی دیگر می‌دانند. یهودیان

^{۳۹} عبدالباری، فرج الله، *یوم الاخر بین الیهودیه و المسیحیه و الاسلام*، ص ۴۳۹.

^{۳۰} بایرناس، جان، *تاریخ جامع ادیان*، ص ۶۵۸.

^{۳۱} مایکل پترسون و دیگران، *عقل و اعتقاد دینی*، ص ۳۴۹.

کنونی به روح نیز اعتقاد داشته و به حیات روح بعد از مرگ ایمان دارند. اختلاف عظیم دیگر در بین علمای یهود این است که آیا رستاخیز برای همه افراد است یا تنها برای بعضی از انسان‌هاست؟ بعضی از علمای یهود بر این عقیده‌اند که رستاخیز برای همه مردگان است، ولی برخی دیگر رستاخیز را مختص یهودیان می‌دانند. عده‌ای دیگر گفته‌اند حتی یهودیانی که لیاقت و امتیازات لازم را کسب نکرده باشند نیز از پاداش زندگی بعد از مرگ محروم خواهند بود. اما این که یهود معاد را جسمانی می‌داند یا روحانی، از مجموع نوشته‌های آن‌ها، معاد جسمانی استفاده می‌شود؛ گرچه در نحوه‌ی این معاد جسمانی اختلافاتی بین علمای آن‌ها وجود دارد.

مسیحیان نیز اجمالاً به رستاخیز اعتقاد دارند، لکن رستاخیز آن‌ها تفاوت‌های فاحشی با رستاخیز مسلمین دارد. به اعتقاد مسیحیان، عیسی مسیح (خدای مجسم) بعد از کشته شدن و دفن شدن، دوباره از قبر خود برخاست و به آسمان‌ها رفت. مسیحیان معتقدند آن حضرت دوباره به زمین برخواهد گشت و رستاخیز را در زمین برپا خواهد نمود. سپس مردم را داوری خواهد نمود و گروهی را به جهنم و گروهی را به بهشت خواهد فرستاد. به هر حال در اعتقادات مسیحیان اثری از آنچه مسلمین، عالم قبر و برزخ می‌نامند به چشم نمی‌خورد. حتی رستاخیز در نگاه آنان از جهاتی شبیه به رجعت است. بنابراین، با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت:

۱. رستاخیزشناسی در کتاب مقدس یهودیان بسیار ضعیف است و فقط در کتاب تلمود اشاراتی به آن شده است. در مقابل، دین مسیحیت به مسئله آخرت و رستاخیز زیاد تأکید کرده، ولی چندان به جزئیات مسئله نپرداخته است.
۲. اعتقاد به رستاخیز عام از مسلمات هر دو دین است. پیروان هر دو آیین معتقدند که روزی همه‌ی انسان‌ها برای داوری برانگیخته خواهند شد.
۳. درباره محل رستاخیز، یهودیان معتقدند که رستاخیز مردگان در ارض مقدس فلسطین روی خواهد داد، در حالی که مطابق نظر عهد جدید، رستاخیز مردگان با رجعت مسیح و پایان جهان همراه خواهد بود. هرچند برای ظهور مسیح، روز و ساعت معینی یاد نشده و قیام مسیح ناگهانی دانسته شده است، اما نشانه‌های مشهود و غیر مشهودی در عهد جدید برای ظهور او آمده است.
۴. مهم‌ترین سمبل رستاخیز در مسیحیت، وجود خود حضرت مسیح است. عیسی مسیح که نزد مسیحیان، خدایی تجسد یافته در میان انسان‌ها برای به دوش گرفتن بار گناهان آنان است، وسیله نجات دیگر گناهکاران به حساب می‌آید. مسیحیان او را زنده پس از مرگ می‌دانند و رستاخیز او از قبر که موجب سعادت و نجات است، اساس عقیده مسیحیت در اعتقاد به خداست؛ یعنی با مرگ عیسی، بشر از گناه و عذاب نجات یافته و عیسی خود را فدای گناهان انسان‌ها کرده است. اگر عیسی نیامده و بر صلیب مصلوب نشده بود، بنابر اعتقاد آنان، آفرینش عالم و نزول و تجسم مسیح و رستاخیز او معنایی نداشت. مسیحیان ذات انسان را گناهکار می‌دانند. زیرا آدم ابوالبشر با گناه خویش

موجب سرایت گناه به نسل خویش است. سعادت انسان پس از مرگ تنها در گرو توبه اوست و توبه انسان باید با پرداخت جریمه گناه همراه می‌شد تا خداوند آن را می‌پذیرفت. زیرا بشر با گناه، شریعت الهی را شکست و این کار مستلزم مجازات است و عیسی به عنوان نماینده و جانشین خدا به زمین آمد، به صلیب کشیده شد و مجازات و مرگ او روی صلیب، موجب نجات انسان‌ها شد، مگر کسانی که خود نخواهند این نجات شامل حالشان شود. پس رستاخیز مسیح یا برخاستن او از قبر پس از مرگ بر صلیب و دفن، اساس ایمان مسیحیت و نجات مسیحیان است. آنان این رستاخیز را واقعی و جسمانی می‌دانند.

۵. مسیحیان معتقدند زنده کردن اموات که از معجزات حضرت عیسی بوده است، خود دلیل دیگری در توجه به مرگ و زندگی پس از آن بوده و همچنین امکان زنده شدن پس از مرگ را گواهی می‌دهد.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. کتاب مقدس، مترجم: انجمن کتاب مقدس، ایران: چاپ دوم ۱۹۸۷.
۳. قاموس کتاب مقدس، ترجمه و تألیف: مستر هاکس، انتشارات اساطیر، چاپ دوم ۱۳۸۳.
۴. جلال الدین آشتیانی، تحقیقی در دین مسیح، تهران: نگارش، ۱۳۶۸.
۵. -----، تحقیقی در دین یهود، تهران: نگارش، چاپ دوم ۱۳۶۸.
۶. رضا اکبری، جاودانگی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۷. مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، مترجم: احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو، چاپ سوم ۱۳۷۹.
۸. حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مؤسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ پنجم ۱۳۸۱.
۹. دیوید چایدستر، شور جاودانگی، مترجم: غلامحسین توکلی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول ۱۳۸۰.
۱۰. جعفر سبحانی، معادشناسی، مقدمه و ترجمه علی شیروانی، قم، انتشارات دارالفکر، چاپ چهارم ۱۳۸۷.
۱۱. عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت، طه، چاپ اول ۱۳۸۲.
۱۲. محمدباقر شریعتی سبزواری، معاد در نگاه عقل و دین، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ ششم ۱۳۸۶.
۱۳. محمدحسین طباطبایی، بررسی‌های اسلامی، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۱۴. فرج‌الله عبدالباری، یوم‌الآخر بین الیهودیه و المسیحیه و الاسلام، چاپ دوم ۱۴۱۲ هجری ق.
۱۵. محمدحسین فصیحی، عقل و ایمان از منظر شهید مطهری و پولس، مجله طلوع نور ۳۳، پاییز ۱۳۸۹.
۱۶. زین‌العابدین قربانی، به سوی جهان ابدی، قم، سایه، چاپ اول ۱۳۷۵.
۱۷. راب. آ کهن، گنجینه‌ای از تلمود، مترجم: امیر فریدون گرگانی، تهران، ۱۳۵۰.
۱۸. ناصر مکارم شیرازی، معاد و جهان پس از مرگ، قم، هدف، چاپ یازدهم ۱۳۶۹.
۱۹. جان بایرناس، تاریخ جامع ادیان، مترجم: علی اصغر حکمت، چاپ دوازدهم ۱۳۸۱.